

فصلنامه علمی - تخصصی اسلام پژوهان

سال پنجم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۷

تاریخ تشیع در بغداد از آغاز تا عصر غیبت صغری

جلیل سالمی*

چکیده

یکی از نقاطی که مذهب شیعه بدان جا رسوخ کرد و در ضمیر و اندیشه مردمان آن جای گرفت، بغداد است. سابقه حضور شیعیان در عراق به زمانی برمی‌گردد که برخی از یاران علی در سپاه مدینه برای فتوحات، عازم عراق شدند. با استقرار حکومت امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام در کوفه، تفکر شیعه، به بیشتر مناطق این سرزمین و از جمله بغداد نفوذ کرد. از زمان امام جعفر صادق علیه السلام به بعد بیشتر ائمه معصومین از جمله امام هفتم و امام نهم چندی در آن شهر توقف کرده و سرانجام در همان شهر امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام به شهادت رسیدند. نحوه مدیریت شیعیان در بغداد به طور عمده به وسیله وکلای ائمه صورت می‌گرفت. در زمان غیبت صغری، نواب اربعه که مرجع عموم شیعیان بودند در بغداد زندگی می‌کردند و از امور سیاسی، اقتصادی و دینی آنان غافل نبودند. دانشمندان و رجال شیعه نیز از آغاز بنای بغداد در این شهر رفت‌وآمد و یا توقف کردند و به تبلیغ و هدایت سیاسی و فکری شیعیان می‌پرداختند.

کلیدواژه‌ها: شیعه، عراق، بغداد، امامان شیعه، نواب اربعه.

* دانش‌پژوه سطح سه موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام. alav5780@gmail.com

مقدمه

با گسترش اسلام و توسعه قلمرو آن، تفکر شیعی به وسیله شیعیان به میان مردم در مناطق مختلف نفوذ کرد. می توان گفت یکی از عوامل اصلی گرایش مردم به تشیع، رفتار و گفتار اهل بیت و یاران صادق و عدالت محور آنان بود. از جمله نقاطی که مذهب و تفکر شیعه در آن رسوخ کرد و در ضمیر و اندیشه مردم جای گرفت سرزمین سواد و یا به عبارت دیگر عراق امروزی است. یکی از شهرهای اصلی و کلیدی عراق در تاریخ اسلام، شهر بغداد است زیرا مرکز قدرت خلافت عباسی در آغاز راه به آنجا منتقل شد در این نوشتار تلاش بر آن است تا به شیوه توصیفی بررسی شود که نحوه ورود تفکر و استقرار شیعه در بغداد از چه زمانی آغاز شد و وضعیت شیعیان این شهر در زمان حضور ائمه چگونه بوده است. در رهگذر این وضعیت، مشخص شود که چگونه ارتباط بین شیعیان و ائمه اطهار برقرار می شد. آیا ارتباط مستقیم صورت گرفته است؟ و یا اینکه شیعیان در خفا، ارتباط خود را حفظ می کردند.

تولد شیعه در عراق

الف. ورود تفکر شیعی

سابقه حضور شیعیان در عراق به دوره پیش از بنای بغداد برمی گردد. سلمان فارسی که از شیعیان طبقه اول است در فتح عراق شرکت داشت^۱ وی در مدت سکونتش در مدائن، این فرهنگ را پایه ریزی و آن را گسترش داد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در عراق - قبل از رسیدن به خلافت و پیش از آنکه کوفه را پایتخت قرار دهد- شیعه و پیروانی داشت، زیرا کوفه سرزمینی بود که با

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده (تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ش)، ج ۵، ص ۱۸۵۴.

ورود سپاه اسلام به آنجا علاوه بر اینکه به صورت یک شهر درآمد، فرماندهی این سپاه در دست امثال ابن مسعود و عمار یاسر بود.^۱

در گزارشی امام علی علیه السلام درباره تجاوز قاسطین عهد و پیمان وی بر بیعت کنندگان و شیعیان ساکن در عراق می فرماید: «... بر شیعیان من تاخت آوردند و گروهی را به حیلت کشتند و گروهی نیز شمشیرها کشیدند...»^۲.

افرادی چون عمار و ابن مسعود از شیعیان واقعی بودند و توانستند جو تشیع علوی را تا حدی گسترش دهند که نتیجه این تلاش در اندک زمانی به ثمر نشست. به عنوان مثال همراهی تعدادی از شیعیان عراق با مخالفان عثمان بود که در جریان اعتراض به خلیفه سوم به مدینه آمدند و به همراه دیگر یاران پیامبر زمینه برقراری حکومت عدالت محور امام علی علیه السلام را فراهم کردند.^۳ اینان در جریان جنگ بر ضد ناکثین، قاسطین و خوارج در کنار علی بن ابی طالب ماندند. خلاصه سخن آن که با ورود تفکر شیعه به وسیله یاران امام علی به سرزمین عراق، زمینه استقرار آن در این سرزمین و به ویژه بغداد فراهم شد.

ب. استقرار تشیع

جنگ جمل با درگیری میان ناکثین و سپاه مدینه، سبب شد تا دو شهر مستحکم عراق به کنترل لشکر امام علی علیه السلام درآید. پس از واقعه جمل در عراق، استقرار امیرالمؤمنین علی علیه السلام از نیرومندترین عوامل برای نشر و ترویج و استقرار شیعه و گرایش مردم به پیروی از علی در عراق و به ویژه در کوفه پایتخت خلافت آن حضرت به شمار می رفت. به همین جهت معاویه و کارگزاران او

۱. همان، ج ۵، ص ۱۹۶۳.

۲. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸)، خطبه ۲۰۸، ص ۵۰۱.

۳. طبری، پیشین، ج ۶، ص ۲۲۲۷.



همت بر آن گماردند که تشیع را از سرزمین عراق و به‌ویژه کوفه ریشه‌کن سازند، زیرا کوفه سرزمینی بود که بذر تشیع در آن کاشته شده و رو به رشد بود.^۱ استقرار امام حسن علیه السلام در کوفه نیز عاملی در روند توسعه اعتقادات و فرهنگ تشیع و معرفی جایگاه رفیع امامت در میان مردمانی بود که تشنه عدالت و نجات از یوغ ستم معاویه بودند. نتیجه این توسعه در زمانی نمود خود را روشن کرد که بعد از شهادت امام حسن علیه السلام عده‌ای از شیعیان با بیان محبت خود به ائمه، از امام حسین علیه السلام در حرکت به کوفه و عدم اعتبار خلافت یزید دعوت کردند. یعقوبی در تأیید این خبر چنین گزارش می‌دهد:

۱۰

«حسین علیه السلام به سوی مکه رفت و چند روزی آنجا ماند تا اینکه مردم عراق به او نامه نوشتند و پی‌درپی فرستادگانی روانه می‌کردند. آخرین نامه‌ای که از ایشان به امام حسین علیه السلام رسید، نامه هانی بن هانی و سعید بن عبدالله حنفی بود که چنین نوشته بودند: به نام خدای بخشنده مهربان، به حسین بن علی از شیعیان باایمان و مسلمانش، اما بعد، پس شتاب فرما که مردم تو را انتظار می‌کشند و جز تو پیشوایی ندارند، شتاب فرما، والسلام.»^۲

نهضت امام حسین علیه السلام، محکم‌ترین و مطمئن‌ترین حلقه تشیع در عراق گردید. کوفه اگرچه حسین علیه السلام را یاری نکرد اما پس از شهادت آن حضرت و احساس پشیمانی، به یاری خونخواهان امام حسین علیه السلام شتافته و با قیام، قاتلان او را به سزای اعمال پلیدشان رساندند.

باید یادآور شد اگر شعار عباسیان در کوفه و عراق، خونخواهی برای امام حسین علیه السلام و اهل بیت نبود و نیز اگر آنان مردم را به حکومت مردی شایسته از

۱. هالم، هاینز. تشیع، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۰.

۲. یعقوبی، احمد بن ابی واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، (تهران، نشر علمی فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش)، ج ۲، ص ۱۵۹.

آل محمد علیهم السلام دعوت نمی‌کردند، دعوت آنان به نتیجه نمی‌رسید.^۱ موارد تاریخی بهترین شاهد برای استقرار این مذهب و عقیده در عراق و به‌ویژه کوفه است. اکنون ۷۰٪ مردم عراق شیعه هستند و از مراکز عمده تشیع بشمار می‌رود. جمعیت کثیری از استان‌های کربلا، نجف، دیوانیه، حله، منتفک، عماره و کوت عراق شیعه هستند. در دیگر نقاط عراق نیز شیعیان به‌صورت پراکنده زندگی می‌کنند.^۲

به هر صورت، یکی از مناطق عراق که شیعه در آن نشر و گسترش پیدا کرد و در قرن سوم و چهارم به‌عنوان مرجعی برای پاسخگویی مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی شیعیان شد، شهر بغداد بود.

ج. عوامل توسعه تشیع در عراق

علاوه بر گسترش تشیع به معنای عام آن در بغداد و مدیریت سیاسی - دینی آنان به‌وسیله ائمه به‌صورت حضوری و غیابی، عواملی چند نیز سبب توسعه تشیع در این سرزمین گردید:

۱. پدید آمدن حکومت شیعی امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و حرکت عظیم قیام امام حسین علیه السلام در کربلا، به رشد و پیشرفت تشیع در عراق مدد رساند.

۲. دیانت و محبوبیت علویان در میان مردم نیز یکی از دلایل اصلی نفوذ تشیع در سرزمین‌های مختلف است. علویان در انجام فرایض دینی، تقید حساب‌شده‌ای داشتند و پایبندی آنان به اسلام شیعی آشکار بود. مردم، فرق بین اسلام علویان با اسلام امویان و عباسیان را به‌خوبی مشاهده می‌کردند و به‌راحتی تشخیص می‌دادند که علویان گرایش دینی بسیاری قوی‌تری دارند.

۱. مظفر، محمدرضا، تاریخ تشیع، ترجمه سید محمدباقر حجتی، (بی‌جا، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ش)، ص ۱۴۲.

۲. گلی زاده، غلامرضا، سرزمین اسلام، (قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش)، ص ۱۲۹.

۳. از دیگر دلایل نفوذ علویان در میان مردم، نگرش ضد ستم آنان بود.
۴. عامل دیگر که قدرت زیادی در توسعه فرهنگ شیعی و حضور شیعیان در عراق داشت وجود نمادهای شیعه بود. یکی از این نمادها وجود قبر امامانی چون امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بود. از دیگر نمادهای شیعه می‌توان به وجود مسجد برائا^۱ و دیگر نمادهای اجتماعی و دینی در شهر بغداد اشاره کرد.

شیعیان بغداد

الف. ورود تشیع به بغداد

۱۲

منصور خلیفه عباسی پس از تثبیت موقعیت سیاسی خویش، پایتخت حکومتی خود را از کوفه به هاشمیه و از آنجا به بغداد منتقل ساخت. مردم با او به سوی بغداد رهسپار شدند و در نتیجه این شهر مورد حمایت قرار گرفت. بغداد در قرن دوم هجری در سال ۱۴۵ به عنوان مرکز خلافت تعیین شد و به مدینه السلام نام گرفت.^۲

بغداد در دوران خلفای عباسی توسعه یافت و تعدادی از این خاندان تا زمان معتصم این شهر را به عنوان مرکز قدرت و خلافت حفظ کردند اما برای مدتی این مرکزیت به سامرا منتقل شد و دوباره در زمان معتضد مرکزیت خلافت عباسی به بغداد منتقل شد. بغداد اگرچه در آغاز شهری نظامی و سیاسی بود اما با گذشت زمان، مرکزیت علمی اسلام نیز بدان جا منتقل شد و تعدادی از

۱. مسجد برائا در نگاه شیعیان بغداد دارای قداستی خاص است زیرا معتقد هستند که این مسجد برای

مدتی کوتاه یعنی هنگامی که آن حضرت برای جنگ با معاویه حرکت کردند، محل عبادت امام علی علیه السلام بود و بعدها شیعیان آن را به صورت مسجد ساختند.

۲. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود. الاخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱، ۴۲۵.

اندیشمندان شیعه از شهرهای اطراف چون کوفه، بصره، مدائن و... در آن ساکن شدند و به مرور زمان، جمعیت انبوهی در آن گرد آمد. بغداد مرکز خلافت بود و از همه احزاب و گروه‌ها در آن حضور داشتند، از جمله حنابله، مالکیان، شافعیان و حنفی مذهب‌ان از اهل سنت و یهود و مسیحیت از اهل کتاب. شیعیان نیز بخش بزرگی از جمعیت بغداد را به خود اختصاص داده بودند. عراق تا مدت‌ها مرکز اصلی تشیع بود. شهر کوفه این مرکزیت را برای دو تا سه قرن حفظ کرد و سپس مرکزیت به بغداد، حله و نجف انتقال یافت.

ب. استقرار تشیع در بغداد

از زمان امام جعفر صادق علیه السلام به بعد تعدادی از ائمه به بغداد آمدند. از جمله امام هفتم و امام نهم چندی در آن شهر توقف کردند و سرانجام در همان شهر به شهادت رسیدند و مرقد آنان در کاظمین فعلی قرار دارد. وجود نمادهای شیعی چون قبر امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام و مسجد برائثا در شهر بغداد از جمله عوامل اصلی تجمع شیعیان در بغداد بود. عامل دیگر گسترش تشیع در بغداد، نفوذ تعدادی از شیعیان در دستگاه دولت عباسی بود. از جمله حسین بن علی بن ابی العباس، ابوعبدالله نوبختی کاتب و علی بن یقطین اسدی که از اعیان شیعه در شهر بغداد بودند.^۱

«مسجد دارالمسیب از جمله مساجد بغداد بود و امام جواد علیه السلام نماز مغرب را در همین مسجد اقامه کرد و قنوت را طبق نظر اهل بیت علیهم السلام قبل از رکوع بجا آورد. مسجد دیگر، برائثا است. شیعیان نسبت به مسجد بازار برائثا یا عتیقه به دیده

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، (بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق) ج ۴۸، ص ۱۳۶.



تقدیس نگریسته و آن مسجد را مورد تعظیم قرار می‌دادند و به گمان آنان، حضرت علی در آن مسجد نماز گزارده است.^۱

با توجه به حضور فعال شیعیان، به نظر می‌رسد دستگاه دولت عباسی از حضور این قشر در بغداد زیاد خرسند نبود و درصدد حذف آنان بودند زیرا وجود شیعیان در این شهر مانع بزرگی برای کام‌روایی عباسیان بود و از طرف دیگر شیعیان نگرش ضد ظلم را بین مردم ترویج می‌کردند. چنانکه در گزارشی از تاریخ دوره حکمرانی منصور به سند ابن طقطقی چنین به دست می‌آید که شیعیان بغداد به‌ویژه سادات حسنی به‌شدت مورد ظلم و ستم وی قرار می‌گرفتند به‌گونه‌ای که تا زمان وفات در زندان به سر می‌بردند. منصور با سادات حسنی، رفتارهای زشت در پیش گرفت به‌طوری‌که آنان را گرفته و نزد خود زندانی کرد تا آنکه همگی در زندان جان سپردند.^۲

باوجود تمامی مشکلات، بخش‌هایی از زندگی اجتماعی در اختیار شیعیان شهر بغداد قرار گرفت. آنان علاوه بر پراکندگی در نواحی مختلف بغداد، یک‌قطب کلیدی در بغداد ایجاد کردند که محل اسکان بیشتر شیعیان این شهر بود. نواب اربعه امام زمان (عج) نیز که در نیمه آخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم (۲۶۰-۳۲۹ ق) سمت وکالت خاص ناحیه مقدسه را داشتند، مرجع عموم شیعه امامیه در بغداد بودند و در این شهر زندگی می‌کردند و آرامگاه آنان در شهر بغداد، اکنون زیارتگاه شیعیان است. دانشمندان و رجال شیعه از آغاز بنای بغداد در آن رفت‌وآمد داشتند و یا در آن ساکن شدند از جمله می‌توان به خاندان یقظین و شخصیت بزرگی چون ابن قولویه و دیگران اشاره نمود. سرانجام در قرن سوم

۱. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، (بیروت: دارالکتب العلمیه)، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. طباطبایی، محمد بن علی، معروف به ابن طقطقی. تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: بنگاه ترجمه، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش، ص ۲۲۱.

و چهارم هجری قمری، با تسلط آل بویه، بغداد مرکز عمده شیعیان گردید و دانشمندان شیعه بغداد بر تمام شیعیان ریاست پیدا کردند.

ج. وکلا، شبکه ارتباط شیعیان با ائمه

شرایط بحرانی که امامان شیعه در زمان عباسیان به مرکزیت بغداد با آن روبرو بودند، آنان را واداشت تا ابزار جدیدی برای برقراری ارتباط با پیروان خود جستجو کنند. این ابزار، سازمان وکالت نام داشت که وظیفه او تعیین نمایندگان و کارگزاران در مناطق مختلف بود. مشکلات شیعیان در قرن سوم و چهارم به حداعلای خود رسید. مخالفت حکومت عباسیان با شیعیان باعث شده بود که آنان به تقیه و تبلیغات مخفی روی آورند. مخالفان برای ایجاد تفرقه بین شیعیان، پاره‌ای روایات نادرست را منتشر و از این راه سود می‌جستند. به همین جهت برای حفظ شیعیان، جلوگیری از انحراف آنان و برقراری ارتباط آنان با امامان شیعه، سازمان منسجم و تحت برنامه سازمان وکالت، پیگیر این مباحث بود.

اهداف دیگر سازمان وکالت، جمع‌آوری خمس، زکات، نذر و هدایا از مناطق مختلف و تحویل آن به محضر امام و نیز رساندن پاسخ‌های امام به سؤالات و مشکلات فقهی و عقیدتی شیعیان و توجیه سیاسی آنان بود. این تلاش به وسیله وکلا صورت می‌گرفت.

این روش از زمان امام صادق علیه السلام به بعد عملی شد و فقدان تماس مستقیم بین امام و پیروانش را حل کرد و نقش مذهبی و سیاسی وکلا را افزایش داد. وکلا عمده کار خود را به صورت مخفیانه انجام می‌دادند. آنان شیعیان را بر مبنای نواحی مختلف تقسیم می‌کردند. از جمله می‌توان به نواحی بغداد، مدائن، کوفه، بصره، حجاز و با گسترش اسلام به قم، همدان، یمن و مصر اشاره کرد. بغداد یکی از مناطقی بود که ائمه اطهار در آن وکیل داشتند و پل ارتباط بین امامان و شیعیان این شهر بودند.



د. محله‌های شیعه‌نشین بغداد

بیشتر جمعیت بغداد، سنی بودند در بخش شرقی آن زندگی می‌کردند اما بخشی از شیعیان هم در این قسمت از شهر ساکن بودند. قسمت غربی بغداد که شامل محله کرخ بغداد بود و قدمت زیادی داشت مرکز تجمع بیشتر شیعیان بغداد بود.

از اشارات مورخان به شورش‌ها و اتفاقات اجتماعی محله‌های بغداد، می‌توان دریافت که بغداد دارای محله‌هایی چون کرخ، براتا، نهر الطابق در غرب بغداد و محله‌های سوق السلاح، باب الطاق، سوق یحیی، سوق الطابین، سوق الثلاثاء، سوق الاساکفه و اهل درب سلیمان در شرق بغداد بوده است. برخی از این محلات، مکان حضور تعدادی از شیعیان بود و بعضی از محلات به‌طور کلی شیعه‌نشین بودند. «در محله کرخ در برکه زلزل، عده‌ای از شیعیان زندگی می‌کردند.»^۱

محله کرخ بغداد پیش از بنای دارالخلافه نیز محل سکونت بوده است. کرخ پس از پیوستن به بغداد یکی از محله‌های بزرگ شیعه‌نشین این شهر شد. بعضی از منابع حاکی از حضور ایرانیان در محله کرخ بغداد می‌باشد.^۲ به نظر می‌رسد این ایرانیان همان موالیان هستند که توسط سپاه فاتح ایران به بغداد و عراق آورده شدند و در آنجا به دلایل مختلفی از جمله کم‌توجهی عرب‌ها به عجم‌ها و دیدن روی رحمت و عدالت از خاندان عصمت به تشیع گرایش پیدا کردند.

۱. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم، ترجمه علی‌نقی منزوی، (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش)، ج ۱، ص ۱۷۴ و الکامل فی التاریخ، عزالدین علی بن اثیر، ترجمه ابوالقاسم حالت، (تهران: مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش)، ج ۲۱، ص ۳۰.
۲. جعفریان، رسول. مقالات تاریخی، (قم: انتشارات دلیل، بی‌تا)، ص ۳۶۴.

شیعیان بغداد تا عصر غیبت صغری

۱. شیعیان بغداد در عصر امام جواد علیه السلام

امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۳ قمری به دست مأمون به شهادت رسید. شیعه برای اولین بار با یک مسئله غیرمترقبه روبرو شد و آن سن کم جانشین امام هشتم بود. اگرچه امام رضا علیه السلام در زمان حیاتشان ابوجعفر، محمد بن علی معروف به جواد علیه السلام را به جانشینی خود معرفی کرده بود اما شیعیان، شهادت زود هنگام امام را پیش‌بینی نکرده بودند از طرفی دیگر امام جواد علیه السلام در آن زمان فقط هشت سال داشت.^۱

۱۷

در شهرهای شیعه‌نشین مانند بغداد و کوفه شیعیان متحیر شدند که چه کار کنند. بزرگان شیعه از بغداد، ریان بن صلت، صفوان بن یحیی، محمد بن حکیم، علی بن حسان ثابتی، اسحاق بن اسماعیل بن نوبخت و یونس بن عبدالرحمن با گروه دیگری از شیعیان در یکی از محله‌ها بنام برکه زلزله شهر بغداد در خانه عبدالله بن حجاج برای عزاداری اجتماع کردند. یکی از شیعیان برخاست و گفت: گریه را رها کنید تا مسئله رهبری را تحقیق کنیم. تصمیم بر این شد که عده‌ای از بزرگان شیعه نزد امام جواد علیه السلام بروند و مسئله را تحقیق کنند. آنان به مدینه مشرف شدند و ابتدا عبدالله عموی امام جواد علیه السلام را آزمودند اما وی نتوانست مسئله آنان را پاسخ دهد. سپس نزد امام جواد علیه السلام رفتند و هر مسئله‌ای را که مطرح می‌کردند حضرت پاسخ آن را مطابق نظر شیعه ابراز می‌داشت و آنان مطمئن شدند که امام جواد علیه السلام جانشین پدر است.^۲

پس از تثبیت امامت امام جواد علیه السلام، وکلای مزبور در سمت خود ابقاء شدند و امام جواد علیه السلام شروع به گسترش و توسعه فعالیت‌های سازمان وکالت در

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الارشاد فی المعرفة حج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البيت، (قم)، مؤسسه آل البيت، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۲ به بعد.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، پیشین، ج ۵۰، ص ۹۹.

نواحی مختلف نمود. این گونه گزارش‌ها علاوه بر حکایت از حضور مقتدرانه شیعه در بغداد، نشانگر فعال بودن بغداد و مرکزیت آن در رفع مشکلات اعتقادی و سیاسی شیعیان است.

عبدالرحمن بن حجاج در بغداد سکونت داشت و گاه به عنوان رابط عراق و مدینه در رفت و آمد بود. در عصر امام کاظم علیه السلام، علی بن یقطین از وکلای ساکن ناحیه بغداد و عامل نفوذ شیعه در دربار عباسی بود. وی گاهی برای ارسال اموال و پیام به محضر امام کاظم علیه السلام در مدینه، از عبدالرحمن حجاج و گاه افرادی نظیر اسماعیل بن سلام و ابن حمید استفاده می‌کرد.^۱

به گفته نجاشی، عبدالرحمن بن حجاج از اصحاب امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بوده است.^۲

خردسالی امام جواد علیه السلام مانع از آن نبود که مردم از عمق معلومات و اطلاعات آن حضرت بهره‌گیری کنند. مأمون از این حقیقت نسبت به امام جواد علیه السلام و نیز رأی و نظر شیعه درباره آن حضرت بی‌خبر نبود، بنابراین مصلحت را بر این دید که در صدد بالا بردن مقام و منزلت امام و احترام نسبت به وی برآید و امام را از مدینه به بغداد آورد. مأمون با اسرار فراوان دختر خویش ام فضل را به ازدواج امام درآورد.^۳ او از این کار اهدافی را مدنظر داشت:

(۱) با فرستادن دختر خود به خانه امام جواد علیه السلام آن حضرت را برای همیشه زیر نظر داشته باشد و از کارهای او بی‌خبر نماند.

(۲) با این وصلت علویان را از اعتراض و قیام نسبت به خود بازدارد.

۱. جباری، محمدرضا. سازمان وکالت، (قم موسسه امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.) ج ۲، ص ۴۹۰.
۲. نجاشی اسدی، ابوالعباس احمد بن علی. رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق.)، ص ۲۳۸.
۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الارشاد فی معرفه حج الله علی العباد، ترجمه، محمدباقر بهبودی، تهران، ۱۳۶۴ ش، ص ۷۱۹.

تاریخ تشیع در بغداد از آغاز تا عصر غیبت صغری

با توجه به جایگاه امامت که هدف اصلی امامان شیعه علیهم‌السلام هدایت انسان‌ها به دو صورت تکوینی و تشریحی است قطعاً با حضور امام جواد علیه‌السلام در بغداد، شیعیان این شهر چه به صورت حضوری و یا ارتباط از طریق وکلا مسائل و مشکلات خود را با ایشان در میان گذاشته و آن حضرت نیز، آنان را هدایت و راهنمایی کرده است.

امام جواد علیه‌السلام بعد از سپری شدن مدت‌زمانی، از بغداد به مدینه بازگشت تا آنگاه که معتصم در سال ۲۱۸ق برمسند خلافت نشست و در سال ۲۲۰ق امام جواد علیه‌السلام را برای کنترل ایشان از مدینه به بغداد فراخواند.^۱ معتصم برای جلوگیری از بحران سیاسی و ساکت کردن شورش‌ها، گاهی امام جواد علیه‌السلام را تحت فشار قرار می‌داد و بالاخره آن حضرت را به شهادت رساند.^۲

امام جواد علیه‌السلام با تمام محدودیت‌های موجود، از طریق نصب وکلا و نمایندگان، ارتباط خود را با شیعیان حفظ می‌کرد. در سراسر حکومت و قلمرو خلیفه عباسی، امام کارگزارانی را اعزام می‌کرد و با فعالیت گسترده آنان، از تجزیه شیعیان جلوگیری می‌کرد. امام به شیعیان خود اجازه می‌داد که به درون دستگاه حکومت نفوذ کرده و مناسب حساس را به دست بگیرند تا شیعیان نقطه امیدی پیدا کنند. از این رو بود که نوح بن دراج چندی قاضی بغداد و پس از آن قاضی کوفه گردید.^۳

از جمله وکلای امام جواد علیه‌السلام در بغداد، محمد بن فرج رخجی است. شیخ طوسی نام او را در ردیف اصحاب امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام و امام

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۵۰، ص ۶۳.

۲. ابن اثیر، عزالدین علی. الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: مطبوعاتی علمی ۱۳۷۱ ش، ج ۱۷، ص ۸۹.

۳. نجاشی اسدی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال نجاشی، پیشین، ص ۱۰۲.

هادی علیه السلام آورده است.^۱ بنا به نقلی، امام جواد علیه السلام طی توقیعی به وی فرمودند، خمس را برای من ارسال دار و من جز در این سال، آن را اخذ نخواهم کرد.^۲ ابن ابی داوود که زمان مأمون، معتصم، واثق و متوکل عباسی، قاضی بغداد و مخالف شیعیان بود، اعتراف می‌کند که پس از اینکه معتصم عباسی، رأی امام جواد علیه السلام را در مقابل فقهای اهل سنت - در مورد قطع دست سارق - می‌پذیرد، ابن داود در خلوت به او تذکر می‌دهد که چرا خلیفه کسی را که نصف امت به امامت او قائل‌اند در حضور درباریان، فرماندهان، وزرا و کاتبان بر نظر تمام علمای مجلس ترجیح می‌دهد.^۳

۲۰

با شهادت امام جواد علیه السلام، شیعیان پیرامون خانه آن حضرت جمع شدند و جنازه آن حضرت را بیرون آوردند. شیعیان درحالی‌که شمشیر را بر روی شانه قرار دادند باهم پیمان مرگ بستند، زیرا معتصم سعی می‌کرد از تشیع جنازه آن حضرت ممانعت به عمل آورد.^۴

از مجموع آنچه بیان شد می‌توان گفت شیعیان در بغداد، جمعیت قابل توجهی را تشکیل می‌دادند و از اقتدار نسبی برخوردار بودند و نحوه ارتباط خود را با ائمه، در دریافت پاسخ مسائل شرعی و سیاسی از رهگذر وکلا حل کردند و نیز از رهگذر کثرت روایت راویان شیعه می‌توان به فزونی علم و اطلاعات علمی آنان در این دوره زمانی واقف گردید. از طریق کثرت احتیاجات و منازعات شیعه به‌ویژه در مسئله امامت به قدرت آنان بر احتجاج و نیروی کافی

۱. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، رجال طوسی، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین ۱۴۱۵ ق، ص ۳۷۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۵۰، ص ۶۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۵۰، ص ۷.

۴. مظفر، محمدرضا، تاریخ تشیع، ترجمه سید محمدباقر حجتی، پیشین، ص ۱۲۰.

آنان در دفاع از حریم مذهب حق و اوضاع و شرایط درخشان آنان می‌توان پی برد.

پس از شهادت امام جواد علیه السلام، سران شیعه بغداد در منزل محمد بن فرج اجتماع کردند تا درباره جانشین آن حضرت به بحث پردازند. محمد بن فرج نامه‌ای به خادم و دستیار امام جواد علیه السلام فرستاد و او را از تجمع شیعه در منزلش آگاه ساخت و اضافه کرد که اگر خوف اشتها و خطرات ناشی از آن نبود به همراه آنان به خانه امام می‌آمد.^۱

۲. شیعیان بغداد در عصر امام هادی علیه السلام

در عصر امام هادی علیه السلام بغداد و نواحی اطراف آن همچون مدائن و دیگر مناطق عراق، زیر نظر وکلای برجسته آن حضرت اداره می‌شد. در بغداد ابتدا شخصی بنام علی بن حسین بن عبدربه فعالیت داشت. پس از درگذشت وی، امام هادی علیه السلام طی مکتوبی ابوعلی بن راشد را به جای او به وکالت در نواحی بغداد و مدائن منصوب کرد.^۲

به‌طورقطع در عصر امام هادی علیه السلام، شیعیان زیادی در شهر بغداد زندگی می‌کردند. از جمله محله کرخ بغداد محل حضور گسترده آنان بود. آنان برای دریافتن مسائل دینی، سیاسی و اجتماعی در صورت امکان خود را به محضر آن حضرت می‌رساندند و در صورتی که امکان ملاقات حضوری با امام وجود نداشت از طریق وکیلان آن حضرت، مسائل خود را حل می‌کردند. رفتار عباسیان به خصوص متوکل عباسی در رابطه با شیعیان و تحت فشار قرار دادن آنان عامل مهمی بود تا شیعیان نتوانند به‌طور کامل به قیام با شمشیر دست بزنند.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۵۰، ص ۹۹.

۲. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. اختیار معرفه الرجال، تحقیق میرداماد، (قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۴ ق)، ج ۲، ص ۸۰.



یکی از خلفای معاصر امام هادی علیه السلام، متوکل عباسی بود. متوکل از قدرت شیعیان در هراس بود و سخت‌گیری را در پیش گرفت. او تصمیم گرفت تا نمادهای شیعه، از جمله مرقد امام حسین را تخریب و آن‌جا را محل کشت و زراعت کند و اعلام کرد هر کس به محل قبر او نزدیک شود او را زندانی می‌کند.^۱

متوکل در خشونت به خاندان علوی در نقاط مختلف عراق از جمله بغداد، گوی سبقت را از تمامی خلفای بنی‌عباسی ربوده بود و اگر آگاه می‌شد که کسی به خاندان امام علی علیه السلام علاقه‌مند است مال او را مصادره می‌کرد و او را به هلاکت می‌رساند. چنانکه مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد:

«وقتی درباره ابوالحسن علی بن محمد، نزد متوکل سعایت کرده و گفته بودند که در منزل او اسلحه و نامه‌ها و چیزهای دیگری از شیعیان وی وجود دارد، متوکل گروهی از ترکان و دیگران را فرستاد که شبانه و ناگهانی به منزل او هجوم بردند.»^۲

امام هادی علیه السلام فعالیت‌های خود را به صورت مخفیانه انجام می‌داد و در مناسبات خویش با شیعیان، نهایت پنهان‌کاری را رعایت می‌کرد.

شیعیان بغداد در مقابل تحرکات متوکل تنها راه‌حل را دیوارنویسی دیدند تا ماهیت او را برای همگی روشن کنند. مردم بغداد و شیعیان بر دیوارهای این شهر درباره متوکل دشنام و مطالب انتقادآمیز می‌نوشتند و آن را بر روی دیوار منعکس می‌کردند.

۱. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش) ج ۲، ص ۵۴۱ و ۵۴۲.

۲. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش)، ج ۲، ص ۵۰۳.

«به خدا اگر بنی‌امیه، فرزند دختر پیامبر را به ستم کشتند، اینک کسانی که از دودمان پدر او هستند (بنی‌عباس) جنایتی مانند جنایت بنی‌امیه مرتکب شده‌اند. این قبر حسین علیه السلام است که به جان خودم سوگند توسط عباسیان ویران شده است. بنی‌عباس متأسف‌اند که در قتل حسین شرکت نداشته‌اند و اینک با تجاوز به تربت حسین علیه السلام و ویران کردن قبر او، به جان استخوان‌های او افتاده‌اند.»^۱

امام هادی علیه السلام در نامه‌ای به وکلای خود در بغداد، مدائن و کوفه نوشت، ای ایوب بن نوح، به موجب این فرمان از برخورد با ابوعلی خودداری کن. هر دو موظفید در ناحیه خاص خویش به وظایفی که بر عهده شما واگذار شده عمل کنید. در این صورت می‌توانید وظایف خود را بدون نیاز به مشاوره با من انجام دهید. ای ایوب بر اساس این دستور هیچ‌چیز از مردم بغداد و مدائن نپذیر و به هیچ‌یک از آنان اجازه تماس با من را نده، اگر کسی وجوهی را خارج از حوزه مسئولیت تو آورد به او دستور بده به وکیل ناحیه خود بفرستد. ای ابوعلی به تو نیز سفارش می‌کنم که آنچه را به ابو ایوب دستور دادم دقیقاً اجرا کنی.^۲

در این گزارش اشاره به پرداخت وجوه شرعی از طرف شیعیان عراق به‌خصوص بغداد، مدائن و کوفه شده که آن را به وکیلان امام تحویل دهند. باید توجه داشت که شیعیان امامی توجه خاصی به مسائل شرعی از جمله زکات، خمس، نذورات دارند. این رفتار وجه تمایز آنان از دیگر افراد جامعه می‌شد و در واقع حکایت از یک ارتباط عمیق و پنهانی بین امام و شیعیان را می‌رساند؛ به عبارت دیگر یک اصل اساسی شیعه یعنی تقیه در این زمان، بیان‌گر شیوه رفتار شیعیان در هنگام ظلم و جور است و از طرف دیگر نحوه مدیریت سیاسی جدیدی فرا روی شیعه قرار گرفت.

۱. مظفر، محمد رضا، تاریخ تشیع، ترجمه سید محمد باقر حجتی، پیشین، ص ۱۲۵.

۲. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. اختیار معرفة الرجال، تحقیق میرداماد، پیشین، ج ۲، صص ۸۰۰ و ۸۰۱.



به گزارش یعقوبی، وقتی امام هادی علیه السلام را به دستور متوکل عباسی به سامرا می‌بردند، هنگامی که کاروان به نزدیکی بغداد رسید خبردار شدند که جمعیت زیادی برای دیدار امام انتظار می‌کشیدند لذا آنان ایستادند تا شب وارد شهر شده و از آنجا به سامرا روند.

«متوکل به علی بن محمد بن علی بن موسی‌الرضا بن جعفر بن محمد نوشت تا از مدینه رهسپار سامرا شود... پس او از مدینه بیرون آمد و یحیی بن هرثمه همراه وی رهسپار شد تا به بغداد رسید و چون به‌جایی رسید که آن را یاسریه می‌گفتند آنجا فرود آمد و اسحاق بن ابراهیم برای استقبال وی سوار شد و اشتیاق مردم و فراهم آمدنشان را برای دیدن وی بیان کرد. کاروان انتقال امام شب را مانده و آن حضرت را شبانه وارد کرد و پاسی از آن شب در بغداد ماند و سپس رهسپار سامرا شد.»^۱

در عصر معتز عباسی، امام هادی علیه السلام همچنان در سامرا تحت نظر بود و جز افراد معدودی از آشنایان، رفت‌وآمد نداشتند. در مدت تبعید امام، شیعیان همواره مسائل خود را با نمایندگان مخصوصی همچون عثمان بن سعید و دیگران در میان می‌گذاشتند و حضرت جواب‌ها را توسط آنان به شیعیان می‌رساندند. سرانجام معتز، امام هادی علیه السلام را به شهادت رساند و چون می‌خواست قدرت شیعیان را در برابر حمله احتمالی آنان کنترل کند جنازه امام هادی علیه السلام را به خانه بازگرداند و در همان‌جا دفن کردند.^۲

۳. شیعیان بغداد در عصر امام حسن عسکری علیه السلام

پس از شهادت امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام به امامت رسید. اوضاع سیاسی و قیام‌های پی‌درپی علویان، موجب شد تا حکومت سخت‌گیری بیشتری نسبت به امام حسن عسکری علیه السلام نشان دهد. به علت مشکل بودن ارتباط

۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌واضح. تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۵۳۶.



با امام، ایشان با وکلای خود به مکاتبه می‌پرداخت. گاهی این مکاتبات در نهایت مخفی‌کاری صورت می‌گرفت. در یکی از روایات در این زمینه بیان شده است که امام چوب خراطی شده‌ای را به ابوجعفر هاشم جعفری می‌دهد تا به عثمان بن سعید عمری برساند. ابوهاشم سر راه خود با یک آب فروشی برخورد می‌کند و چوب‌دستی (عصا) را به حیوان می‌زند تا حیوان حرکت کند. چوب شکسته شد و تعدادی نامه از وسط چوب آشکار شد و بر روی زمین افتاد. وی به سرعت چوب و نامه‌ها را در کیسه‌ای پنهان کرد و به خانه امام بازگشت. امام پرسید: چرا حیوان را زدی و چوب را شکستی؟ وی پاسخ داد آقای من از داخل چوب خبر نداشتم. امام فرمود: هرگز چنین کاری را تکرار نکن.^۱

ابوهاشم جعفری از نواده‌های جعفر بن ابی‌طالب بود و چهار تن از ائمه یعنی امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام را درک کرده است.^۲ از قراین برمی‌آید که وی در عصر امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام مقیم بغداد بود و به طبع منطقه وکالت او نیز بایستی در این شهر بوده باشد. دلیل آن را می‌توان رساندن نامه امام عسکری علیه السلام به عثمان بن سعید عمری که در بغداد ساکن بود دانست. شیخ طوسی نیز در الفهرست وی را اهل بغداد معرفی کرده است.^۳

معتز در سال ۲۵۵ هجری به قتل رسید و مهتدی بجای وی به حکومت رسید. مهتدی با همه خوش رفتاری که با مردم و علما آغاز کرده بود اما نسبت به امام عسکری علیه السلام با شدت عمل بیشتری از خلفای پیشین برخورد کرد. پس از

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، پیشین، ج ۵۰، ص ۲۸۳.

۲. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. الفهرست، تحقیق جواد قیومی، (بی‌جا، مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق)، ص ۱۲۴.

۳. همان، ص ۱۲۴.

مرگ مهتدی، معتمد به حکومت رسید. آغاز حکومت معتمد نیز با دو قیام علوی در مصر و کوفه همراه شد.

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام شیعه به صورت یک قدرت عظیم در عراق درآمده بود و همه مردم می دانستند که این گروه به خلفای وقت معترض بوده و حکومت عباسیان را مشروع و قانونی نمی دانستند بلکه معتقدند امامت الهی در فرزندان علی علیه السلام باقی است.

گواه قدرت شیعیان، اعتراف عبیدالله وزیر معتمد عباسی، به این موضوع است. پس از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام، برادرش جعفر نزد عبیدالله رفت و گفت: منصب برادرم را به من واگذار، من در برابر آن سالیانه بیست هزار دینار به تو می دهم. وزیر به او پرخاش کرد و گفت: خلیفه آن قدر به روی کسانی که پدر و برادر تو را امام می دانند شمشیر کشید تا بلکه بتواند آنان را از این عقیده برگرداند ولی نتوانست و با تمام کوشش هایی که کرد توفیقی به دست نیاورد اینک اگر تو در نظر شیعیان امام باشی نیازی به خلیفه و غیر خلیفه نداری و اگر در نظر آنان چنین مقامی نداشته باشی کوشش ما در این راه کوچک ترین فایده ای نخواهد داشت.^۱

در این روایت گرچه اشاره به شهر خاصی نشده است اما با توجه به پراکندگی تشیع به خصوص در بغداد، بهترین مدرک و گواه در اثبات این مطلب می باشد.

۴. شیعیان بغداد در عصر امام مهدی (عج)

بعد از تولد امام مهدی (عج) امام حسن عسکری علیه السلام نسبت به جان آن حضرت بیمناک بود و او را همواره تحت نظر و مراقبت خود می گرفت و به

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الارشاد فی المعرفة حج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البیت، ج ۲، ص ۳۲۴.

هرکسی اجازه نمی‌داد با وی ملاقات و دیدار به عمل آورد. به همین جهت در ایام پدرش جز عده قلیلی موفق به دیدار ایشان نشدند.^۱

به اعتقاد شیعیان، امام مهدی (عج) دو غیبت دارند. یکی کوتاه‌مدت و دیگری طولانی که از سال ۳۲۹ قمری آغاز و تاکنون ادامه دارد.^۲ در زمان غیبت کوتاه، نواب خاص او را می‌بینند اما در غیبت طولانی، وی نایب خاصی ندارد. مراجع و علما بزرگ، نواب عام ایشان هستند. در دوران غیبت کوتاه، به‌ویژه دوران خلافت معزز، مقتدر، قاهر، راضی و متقی عباسی، سیاست خاصی در حق شیعیان ادامه داشت. به‌خصوص در زمان چند خلیفه اخیر عباسی که حنبلیان نفوذ و قدرت زیادی در بغداد به دست آورده بودند. شیعیان این فترت را دوره تقیه می‌خواندند. با تمام فشارهایی که از طرف حنبلیان بر شیعیان وارد گردید، هرگز بغداد را ترک نکردند و میدان را خالی نگذاشتند.

امام مهدی (عج) بعد از رسیدن به امامت در دوره کوتاه غیبت، چهار نایب بین خود و شیعه انتخاب نمودند که عبارت‌اند از:

۱- عثمان بن سعید العمری که قبلاً وکیل و نماینده امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام بوده است.

۲- ابوجعفر محمد بن عثمان. او نیز از سوی امام حسن عسکری علیه السلام وکالت و نمایندگی را به عهده داشت.

۳- حسین بن روح نوبختی.

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری.

نمایندگان مذکور واسطه‌ای میان شیعیان و حضرت ولی عصر (عج) بودند تا پرسش‌های شیعیان را به محضر آن حضرت رسانده و پاسخ لازم را از ایشان اخذ

۱. همان، ج ۲، ص ۳۵۰ به بعد.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۴۰.



نمایند. پس از شروع دوره غیبت کوتاه، با توجه به بعضی مرجحات بخصوص جهات امنیتی و دوری بغداد از محدوده نظارت جاسوسان عباسی در پایتخت که برای مدتی سامرا بود، امام عصر (عج) ترجیح دادند مرکز سازمان وکالت و مدیریت شیعیان از سامرا به بغداد منتقل شود. از این پس بود که در بغداد اوج دوران فعالیت سازمان وکالت تحقق یافت. در دوره‌ای که حدود ۷۰ سال به طول انجامید، سفرای چهارگانه حضرت ضمن اقامت در بغداد، کار نظارت و رهبری سازمان وکالت در سایر نواحی را نیز عهده‌دار بودند.

گویا اولین گروه شیعی که از انتقال دفتر وکالت از سامرا به بغداد مطلع شدند، همان وفد قمیان هستند. اینان پس از رحلت امام عسکری علیه السلام طبق معمول گذشته، برای تحویل وجوه شرعی و نامه‌ها به سامرا آمدند و ضمن گذر از مشکلاتی، سرانجام موفق به دیدار حضرت مهدی (عج) شدند. حضرت حجت آنان را از مراجعه مجدد به سامرا منع کرد و فرمودند که در بغداد وکیلی نصب خواهد کرد و از آن پس اموال و نامه‌ها را به وکیل بغداد تحویل دهند.^۱

دلیل انتخاب بغداد این بود که آن شهر باوجود عظمت و انبوهی جمعیت، تا اندازه‌ای از دید حکومت به دور بود. به همین جهت عثمان بن سعید عمری به بغداد مهاجرت کرد و محله کرخ را مرکز رهبری تشکیلات خویش قرار داد. از گزارش‌های تاریخی برمی‌آید به‌طور قطع در محله کرخ و محلات دیگر بغداد، شیعه وجود داشت و اگر این امر ممکن نبود نایبان امام عصر (عج) نمی‌توانستند کوچک‌ترین قدمی را برای ارتباط با شیعیان بردارند. مسافران بلاد مختلف بعد از رجوع به بغداد باید شیعیان را ببینند تا بتوانند از طریق آنان به دیدن سفرا و نایبان امام (عج) بروند.

۱. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، (قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ق)، صص ۴۷۶، ۴۷۷.

عثمان بن سعید با همکاری تعدادی از وکلای کارآموده، وظایف سفارت را به خوبی انجام می‌داد. از این میان می‌توان به احمد بن اسحاق اشعری قمی، محمد بن آمد بن جعفر قطان و حاجز بن یزیدوشاء اشاره کرد که در ارتباط با نایب امام عصر (عج) بودند.^۱

پس از درگذشت عثمان بن سعید، شیعیان در غم و اندوه فراوانی فرورفتند. حضرت حجت طی نامه‌ای درگذشت او را به فرزندش تسلیت گفت و فرزندش محمد بن عثمان را به جانشینی پدر منصوب کرد. آرامگاه عثمان بن سعید در سمت غربی بغداد جنب دروازه جبلة قرار دارد.^۲

در عصر سفیر دوم یعنی محمد بن عثمان، بغداد یکی از فعال‌ترین دوره‌ها را در تاریخ سازمان وکالت پشت سر گذاشت. ده نفر زیر نظر نایب دوم در بغداد فعالیت داشتند تا امور شیعیان را اداره کنند. از جمله این وکلا حسین بن روح نوبختی بود که بعدها به عنوان سفیر سوم ناحیه مقدسه برگزیده شد. سفیر دوم نیز در بغداد دار فانی را وداع گفت.

حسین بن روح^۳ نوبختی به اداره امور دینی و سیاسی شیعیان مشغول گردید و شیعیان نیز اموالی را که از لحاظ شرعی به عهده داشتند به او می‌رساندند؛ زیرا در این دوره چند نفر از خاندان نوبختی در دربار خلفا مقامی داشتند. دیگر کسی نمی‌توانست مزاحمتی برای وی فراهم آورد، بلکه در دوره او منزلش محل رفت و آمد رجال بغداد بود. او نیز دار فانی را وداع گفت و در محله نوبختیه به خاک سپرده شد.

سفیر چهارم، ابی الحسن علی بن محمد سمري بود. او از خاندانی متدین و شیعه برخاست که از خدمت گذاری به اهل بیت علیهم‌السلام از شهرت زیادی برخوردار

۱. همان، ص ۳۸۴.

۲. شیخ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. الغیبه، تحقیق و نشر بنیاد معارف، ص ۲۱۹.

۳. همان، ص ۲۲۳.



بود. جامعه بغداد در دوران سفارت وی، در مقایسه با دوران حسین بن روح، آکنده از ظلم و ستم و خونریزی بود. این فضای تیره و تاریک، نقش مهمی در جلوگیری از تلاش‌های اجتماعی این سفیر داشته است. می‌توان گفت یکی از عوامل مهم قطع مسئله سفارت، پس از مرگ سمی همین جو اختناق بوده است.

نتیجه گیری

علاوه بر گسترش طبیعی تشیع به معنای عام آن در عراق و مدیریت سیاسی - دینی آنان به وسیله ائمه، عواملی چند سبب توسعه تشیع در این سرزمین گردید. پدید آمدن حکومت شیعی امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام و حرکت عظیم قیام امام حسین علیه السلام در کربلا، منصوب شدن شماری از رجال شیعی به وزارت در دستگاه خلافت عباسی و نگرش ضد ستم، محبوبیت و دیانت علویان؛ عوامل نفوذ و گسترش فرهنگ تشیع بود.

۳۱

بعد از ورود خلفای عباسی به بغداد، عمده تلاش آنان کنترل اوضاع سیاسی بود و به دنبال این هدف، امامان شیعه را به این شهر کشاندند و برخی از آنان را به شهادت رساندند. وجود قبور اهل بیت علیهم السلام در بغداد به عنوان یک نماد شیعی در کنار دیگر نمادها، عاملی برای ساکن شدن شیعیان در این شهر گردید. با استقرار تشیع، شهر بغداد به خاطر موقعیت ویژه‌ای که داشت جمعیت قابل توجهی از شیعه را در خود جای داد اما با انتقال قدرت سیاسی حکومت عباسی به سامرا در زمان غیبت، بهترین گزینه برای کنترل اوضاع شیعیان، شهر بغداد بود. به همین خاطر نواب اربعه مرکز مدیریت خود را در محله شیعه‌نشین بغداد - کرخ - قرار دادند تا از این طریق به امور شیعیان بپردازند.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین علی. الكامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
۲. جباری، محمدرضا. سازمان وکالت، قم: موسسه امام خمینی، ۱۳۸۲ ش.
۳. جعفریان، رسول. مقالات تاریخی، قم: انتشارات دلیل، بی تا.
۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی تهران: نشر نی، چاپ چهارم، ۱۳۷۱.
۶. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۵ ق.
۷. طباطبایی، محمد بن علی، معروف به ابن طقطقی. تاریخ فخری، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، بنگاه ترجمه، چاپ دوم، ۱۳۶۰ ش.
۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چ پنجم، ۱۳۷۵ ش.
۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. اختیار معرفه الرجال، تحقیق میرداماد، قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۴ ق.
۱۰. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. رجال طوسی، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین ۱۴۱۵ ق.
۱۱. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الغیبه، تحقیق و نشر بنیاد معارف.
۱۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، الفهرست، تحقیق جواد قیومی، بی جا: مؤسسه نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.
۱۳. گلی زاده، غلامرضا، سرزمین اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۶. مظفر، محمدرضا، تاریخ تشیع، ترجمه سید محمدباقر حجتی، بی جا: نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. مفید، محمد بن محمد بن نعمان. الارشاد فی المعرفه حج الله علی العباد، تحقیق مؤسسه آل البیت، قم: مؤسسه آل البیت، بی تا.



تاریخ تشیع در بغداد از آغاز تا عصر غیبت صغری

۱۸. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ ش.
۱۹. نجاشی اسدی، ابوالعباس احمد بن علی. رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ ق.
۲۰. نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
۲۱. هالم، هاینز. تشیع، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۵ ش.
۲۲. یعقوبی، احمد بن ابی واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: نشر علمی فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.

